



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ – ۱۸ شوال ۱۴۴۴ سال بیست‌وپنجم – شماره ۶۷۵۰ – صفحه ۱۶ ص‌فحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سرمقاله

فرستی

در اردیبهشت کتاب

سال‌هاست که در میانه بهار، بهاری فرهنگی هم در تهران جریان می‌یابد و نمایشگاه بین‌المللی کتاب، اردیبهشتی فرهنگی را رقم می‌زند. نمایشگاه کتاب برای همه اهل مطالعه و کتاب‌دوستان در حکم بهار کتاب بوده است، فصل نوشدن با کتاب‌های جدید و تهیه توشه فرهنگی سال. برای آن‌که در اطراف‌واکناف کشور دسترسی چندانی به ناشران و کتاب‌فروشی‌های بزرگ ندارند هم نمایشگاه فرصتی بی‌نظیر بوده برای پیدا کردن کتاب‌هایی که شاید یک سال به دنبال تهیه آن بوده‌اند. برای جامعه‌ای که همه از افول سرانه مطالعه در آن اظهار نگرانی می‌کنند، نمایشگاه کتاب فرصتی است که باید جدی‌تر گرفته شود و به آن به مثابه فرصتی برای خیزش «نهضت مطالعه» در کشور نگریسته شود. اما چگونه؟

۱- همه‌ساله مبلغی به‌عنوان پارانۀ یا کمک‌هزینه خرید کتاب به دانشگاهیان، حوزویان و اهل قلم تخصیص می‌یابد که البته با توجه به گرانی فو‌ق‌العاده کاغذ و در نتیجه کتاب در این چند سال اخیر عملاً کفاف خرید کتاب و در نهایت دو یا سه کتاب بیشتر را نمی‌دهد. هم باید مجلس و دولت برای افزایش این رقم تدبیر ببیندپیشنند، هم مسئولان فرهنگی وزارت ارشاد برای تخصیص هدفمندتر آن فکری کنند. بخش زیادی از پارانۀ در حال حاضر صرف خرید کتاب کمک‌آموزشی و کنکوری می‌شود که نه‌تنها هیچ کمکی به افزایش سرانه واقعی مطالعه و ارتقای سطح فرهنگی جامعه نمی‌کند، بلکه در واقع توزیع رانت دولتی به نفع بخش تلخ نظام آموزشی است. باید‌ا مکان خرید پارانۀ‌های از کتاب‌های کنکوری و کمک‌آموزشی حذف یا دست‌کم محدود شود و در مقابل بخش‌های خاصی چون کتاب کودک افزایش یابد. اگر بخواهیم فرهنگ مطالعه در نسل‌های اتی افزایش یابد، هم باید پارانۀ‌ی به دانش آموزان برای خرید کتاب‌های کودک و نوجوان اختصاص یابد و هم بودجه برای غنایبخشیدن به کتابخانه مدارس در نظر گرفته شود.

۲- کتاب‌گران شده است و دلیل اصلی آن هم وابستگی به کاغذ وارداتی است که با اندک نوسانی در بازار ارز، قیمتش افسار می‌برد. هرچند طرح‌هایی برای تولید داخلی کاغذ هست، اما ا‌هل‌با‌پایدار و مطمئن توسعه کتابخوانی الکترونیکی است که خصوصاً برای جوانان و نوجوانان جذابیت بیشتری دار. تجربه‌های جذابی چه در زمینه نرم‌افزاری و حتی سخت‌افزاری در دنیای امروز از این منظر هست که برای توسعه آن در کشور باید سرمایه‌گذاری کرد. کسب‌وکاره‌ای این حوزه باید حمایت شوند و فصل نمایشگاه کتاب هم زمانه مناسبی برای معرفی این فرصت‌های جدید آشتی با پار مهربان به جامعه است.

۳- به جز پول، عامل مهم دیگری هم در گسترش کتابخوانی هست و آن «ترویج کتاب خوب» است، چه‌بسا افرادی که دوست دارند کتابخوان باشند، اما نمی‌دانند از کجا باید شروع کنند و چه بخوانند؟ نخگران، طرف‌های کتابخوان و تشکل‌های فرهنگی وظیفه دارند کتاب‌های خوب را به جامعه، خصوصاً جوانان معرفی کنند. معرفی سیرهای مطالعاتی در حوزه‌های مختلف و تخصصی خصوصاً متناسب با نیازهای دانشی و بنبشی نوجوانان و جوانان برای کتابخوان‌تر کردن نسل‌های جدید کمک خوبی خواهد کرد. چه خوب است در فصل نمایشگاه کتاب این فهرست‌ها ارائه شود تا تشنگان زال پار مهربان، س‌ساده‌تر مطلوب خود را بیابند. در کنار این‌ها برخی خیزران و تک‌اندیشان دارای وسعت مال نیز می‌توانند با سنت نذر کتاب و اهدای کتاب‌های خوب به افراد کمتربرخوردار و جوانان به توسعه این سنت کمک کنند. چه خوب است آنها که توان مالی این کار را دارند با «موسسات فرهنگی» از فرصت نمایشگاه کتاب برای خرید کتاب‌های خوب برای کتابخانه مساجد و مدارس و نیز برای کودکان و نوجوانان روستایی و عشایر استفاده کنند و به این نهضت فرهنگی بپیوندند.

کتاب و کتابخوانی را می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد فرهنگی یک جامعه دانست که گسترش سرگرمی‌های جذاب ولی کم‌عمق فضای مجازی مهم‌ترین رقیب آن است. فردی که کتاب نخواند و خود را در چرخیدن در مطالب اثبوه و مخلوط از راست و دروغ فضای مجازی مشغول کند، طعمه خوبی برای دشمنی است که اشتغال‌فرهنگی جامعه را هدف گرفته است. تا دیر نشده برای اصلاح سبک زندگی مصرف فرهنگی و مطالعاتی جامعه و خصوصاً نسل‌های آینده باید تدبیر کرد.

«جوان» آثار ساخت مسکن در مهار تورم و رشد تولید را وا‌کاوی می‌کند

سرپناه مردم در حصر زمین

شکست انحصار و عرضه زمین، موجب تولید و ساخت مسکن و در نتیجه ایجاد اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود |صفحه ۱۲

همچنان حریص بر «تهران گران»!

تهران خودش گران است، خودمان باید گران کنیم، یا خودمان باید ارزان کنیم؟

سه دهه پس از انگاره «تهران باید گران شود»، اظهار نظری درباره «تهران ارزان»، بار دیگر مناقشه را تازه کرد



غلامرضا صدیقیان / سردبیر

ارزان بودن یا ارزان کردن شهر تهران ممکن است حرفی غیر عملی یا غیرواقع‌بینانه یا اساساً دنبال کردن آن نشدنی و در تعارض با روند کلی اقتصاد و تصمیمات دولتی باشد و اصولاً با نیتی که گوینده آن دارد مقابل «گران کردن تهران» با نیت باورمندان به آن قرار نگیرد اما گران کردن تعمدی آن در تفکر کارگزارانی قطعاً یک فاجعه و یک مصداق عینی از نتولیب‌الیزم است که دخالت در ثروت و سرمایه را با هدف انباشت بیشتر ثروت سرمایه‌داران و تحمیل سلطه طبقاتی و غلبه تمام‌وکمال سرمایه بر نیروی کار دنبال می‌کند. اگر روزگاری غلامحسین کرباسچی مدافع گران بودن تهران بود و اکنون محسن هاشمی ارزان کردن تهران را «انحرافی» می‌داند، باید توضیح دهند که با تفکر گران بودن یا گران کردن تهران چه بر سر مردم و شهر آوردند و آیا توانستند به هدف ادعایی که جلو‌گیری از مهاجرت به تهران است، برسند یا فقیر را در تهران، فقیر تر و ثروتمند را ثروتمندتر کردند و حاشیه‌نشینی را گسترش دادند و فاصله طبقاتی را در پایتخت به یکی از فجایع ملی و یک نقطه ضعف امنیتی، اقتصادی و انسانی تبدیل کردند و اتفاقاً هدف ضمنی و پنهانی همین بوده است؟!

تهران گران بیشتر از تهران ارزان به نیروی کار ارزان احتیاج دارد و این نیروی ارزان در تهران گران، له خواهد شد. البته «له‌شدن بخش بزرگ جامعه زیر چرخ‌های توسعه» از اندیشه‌های پدرخوانده در گذشته کارگزاران بود و صاحبان انگار‌های گرانی تهران از آن بی‌م‌ناشدند. اصولاً تهران هرچه‌قدر بزرگ‌تر و گران‌تر شود، هم تقاضای طبقه سرمایه‌دار برای نیروی کار بیشتر می‌شود و هم تقاضای نیروی کار برای مهاجرت به تهران بیشتر! نقطه اشتراک این دو تقاضا در این است که نیروی کاری که خود را به تهران گران می‌رساند، از همان آغاز می‌داند که باید سختی‌های بیشتری را به جان بخرد. دور‌تر از مرکز شهر و در شهر ک‌های اقماری در فضای خانه‌های زیر پنجاهمتری و در شرایط دور از امکانات رفاهی و بهداشتی و امنیتی زندگی کند تا بتواند از پس گرانی تهران برآید اما همچنان به تهران سرازیر خواهد شد، چون گران کردن تهران، سرمایه‌ها را به این نقطه کشانده و باقیمانده سرزمین را از سرمایه و سرمایه‌گذاری محروم کرده است. طبقه متوسط نیز در هر نقطه از کشور که زندگی کند، ترجیح می‌دهد سرمایه‌اش را حتی اگر اندک باشد، به تهران بکشدان تا در سایه گران بودن و گران ماندن تهران بتواند سرمایه خود را حفظ کند و ارتقا دهد. این است تهران گران با تفکر کارگزارانی که در پوشش شعار «جلوگیری از مهاجرت به تهران» به آن دامن زده شد.

اگر اکنون در تهران شماری از شهروندان، شاسی‌بلند

چندمیلیارد تومانی سوار می‌شوند و شماری ساعت‌های عمر خود را در صف اتوبوس واحد و مترو می‌گذرانند و اگر در سال‌های اخیر شمار محکومان به جرائم مالی طبقه فرودست در تهران افزایش ناپاروانه داشته است، ریشه در همین تفکر نتولیب‌الیزمی کارگزارانی دارد. پژوهشگران نتولیب‌الیزم در امریکانیز فاجعه بحران افزایش محکومان مالی و اجتماعی و امنیتی و جنایی در امریکا را نتیجه مستقیم اندیشه نتولیب‌الیزمی غلبه و سلطه سرمایه بر نیروی کار می‌دانند.

«تهران گران» عا‌مدانه یا ناخوسته از دست شما را ه‌شد. کار به‌جایی رسید که ابرمیلیاردهای تهران نشین فقط با گران‌شدن ملک و زمین و تراکم به ثروت‌های افسانه‌ای رسیدند. خانه‌های هزار میلیاردی در تهران رقیبی در هیچ نقطه از جهان حتی نیویورک و لندن و پاریس ن‌دارد. نتیجه چه شد؟ این طبقه «ناگهان به سرمایه انبوه رسیده» به شکل‌گیری طبقه دیگری که بحران اقتصادی و از خودبیگانگی و سلب حداقل‌های روحیه زندگی از مشخصات بارز آنان بود، سرعت بخشید و خود سرمایه‌های طوفان آورده را از آن کشور خارج کردند و با اقتصاد کانادا و ترکیه و امارات رونق بخشیدند.

تهران گران» انتخابی آگاهانه و به‌موقع از طرف باورمندان به آن بود زیرا در‌دست زمانی بر زبان آنان در حزب کارگزاران سازندگی جاری شد که کشور با خروج از جنگ و رونق نسبی اقتصاد روبه‌رو بود و می‌توانست اندیشه‌های اقتصادی ضدسرمایه‌داری را برای ارتقای سطح رفاه و معیشت شهروندان ایران زمین و صاحبان اصلی

این آب‌و‌خاک دنبال کند ولی تفکر لیبرالی که «غارت نیروی کار به دست سرمایه‌دار» لایه پنهانی اندیشه آنان بود، دست به انتخاب

نظریه «تهران گران» زد و اگر چه آن تفکر مخالفانی داشت اما به شکل

کامل اجرا شد. نتیجه نه‌تنها جلوگیری از مهاجرت به تهران نشد که

مهاجران ناگزیر را به طبقه‌ای بسیار فرودست‌تر از قبل از این نظریه

بدل ساخت و طبقه جدیدی را نیز خلق کرد که دیگر جای سرمایه

و خود آنان در هیچ کجای جهان نیست! ثروت انبوه آنان که از درون

همین تهران گران و از رگ‌های نیروی کار مهاجر بیرون کشیده

شد، به بحران فساد و رانت و همه‌چیز‌خواری بازگشت‌ناپذیر کنونی

تبدیل شد.

غلامحسین کرباسچی که جمله معروف «تهران را باید آن قدر گران

کنیم که هر کس نمی‌تواند از آن برود» به او نسبت داده می‌شد، بعدها

آن را بر ساخته مخالفان جناح راست دانست و گفت که منظورش

این بوده که جاهای دیگر را باید ارزان کرد تا مردم از تهران بروند و

تهران خودبه‌خود گران است: «تهران جمعیت ساکن و مستقری دارد

که از گذشته در آن ساکن بوده‌اند و شرایط خاص مالکیتی و زندگی

و معیشت خود را دارند. حرف ما این بود که نباید برای حل مسئله

تهران از بودجه و فروش نفت که حق عمومی همه مردم ایران است،

برای رفاه شهروندان تهرانی استفاده کنیم و باید هزینه کار و اقدامات

شهروندان تهرانی را از خودشان بگیریم. ایده دولت و شهرداری آن

زمان این بود که هزینه‌های مردم در تهران را خودشان پرداخت کنند

و زندگی در تهران مجانی نباشد، چراکه در همه جای دنیا زندگی در

کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ گران‌تر از شهرهای کوچک است. توجه

داشته باشید که دیدگاه " هزینه تهران را از مردم تهران بگیریم" همین

حالا هم مطرح و اجرا می‌شود؛ طبیعی است که در مقابل این سؤال

که زندگی در تهران گران می‌شود، بگوییم زندگی در شهرهای بزرگ

همیشه گران‌تر از زندگی در شهرهای کوچک‌تر است و این حرفی

عقلایی است و بهتر از این است که با حکم‌های زورکی و اجباری اقدام

به جابه‌جایی کارمندان و مردم تهران نکنیم، چراکه به‌این ترتیب به

شکلی طبیعی بسیاری از مردم تهران نسبت به خروج تمایل پیدا

می‌کنند. »

این اظهارات کرباسچی در آغاز دهه ۹۰ همان تئوریه زده کردن

«تهران گران» با نمایش مردم‌دوستی و تهران دوستی بود اما یک

دهه بعد محسن هاشمی در واکنش به طرح موضوع «تهران ارزان»،

آن را موضوعی انحرافی می‌داند و همان حرف‌های هم‌حزبی خود

با تکرار می‌کند: «ارزان‌ا‌اره کردن شهر تهران، یک حرف انحرافی

است. این حرف از زمانی آمد که برخی می‌گفتند، شهر تهران باید

گران شود تا مهاجرت به شهر کم شود و همین موضوع تبدیل به

تهمتی شده که شهرداران در دوره‌های مختلف به هم می‌زدند. این

در حالی است که اساساً تهران گران است و همین گران بودن سبب

شده تا مردم در ۱۴۳ شهر اقماری تهران که جمعیت‌شان به اندازه

خود تهران است، ساکن شوند. برخی از این افراد برای کار هر روز به

تهران می‌آیند و به همین دلیل جمعیت روز تهران از شهر بسیار

بیشتر است. »

اکنون ایده «تهران را باید گران کنیم» به ایده «تهران خودش گران

است» تبدیل شده است! درست است؛ اکنون تهران بسیار گران است.

حتی اگر «تهران گران» را با دید خوش‌بینانه یک انتخاب هوشمندانه

از طرف طبقه صاحب سرمایه ندانیم، به پذیرش و گزینش هوشمندانه

و آگاهانه آنان پس از مشاهده نتایج مرگ‌بار آن برای نیروی کار ارزان

و نتایج حیات‌بخش آن برای طبقه ابرسرمایه‌دار باور داریم. آنان

«تهران بسیار گران» را انتخاب کردند و شهروندان را به اسارتی در

حصر نتولیب‌الیزم کشانند که آثار جبران‌ناپذیری بر جا گذاشت که

انتهای آن ناپیداست.

اژه‌ای: هر کسی حرف زد جایش زندان نیست

■ ممکن است در همه موارد، تدبیر و اقدام مناسب و متناسب در مواجهه با فرد برهم زنده امنیت روانی مردم ابتدا منحصر به احضار و مجازات و زندانی کردن او نباشد؛ گاهی ممکن است لازم باشد از طرق دیگری، این کار را خنثی کنیم. ممکن است در همه موارد، تدبیر و اقدام مناسب و متناسب در مواجهه با فرد برهم زنده امنیت روانی مردم ابتدا منحصر به احضار و مجازات و زندانی کردن او نباشد

دوربین‌های آژانس

دوباره فعال شد

■ سنگتوی دستگاه دیپلماسی در پاسخ به خبرنگار «جوان» درباره گزارش‌هایی از نصب مجدد دوربین‌های آژانس در برخی سایت‌های هسته‌ای، اگرچه به صراحت در این مورد سخن نگفت اما اقدام ایران را در راستای توافق سفر زمستان گذشته مدیر کل آژانس بین‌المللی به ایران تأیید کرد. وی همچنین در واکنش شدید به اظهارات مشاور امنیت ملی امریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی علیه ایران گفت که تهران در باره هیچ تعرضی به منافع خود مسامحه نخواهد کرد

عشق به معلم و استاد را

از شهید مطهری باید آموخت

■ مجتبی مطهری در گفت‌وگو با «جوان»: کتاب «مسئله حجاب» در زمان خودش خیلی نقش آفرین بود و حتی حضرت امام خمینی در فرانسه که بودند وقتی خانم‌هایی که می‌خواستند پشت سر ایشان نماز بخوانند، گفته‌بودندماچرا ندر نماز، امام فرموده‌بود لازم نیست و همین حاجی که پوشیدید کافی است. گفته بودند مسئله‌ای که شهید مطهری استاد کرده بسیار خوب و منطقی است



نفوذ صاحبان قدرت

در مدیریت آب مشکل آفرین است

■ دکتر فرود شریفی، رئیس انجمن علمی مقابله و سازگاری با خشکی و خشکسالی در گفت‌وگو با «جوان»: یکی از علت‌های بروز مشکلات در امر آب و منابع طبیعی (افتال) ساختار نهادی موجود و متولی امر است. ساختار فعلی مولود و ترکیبی از نگاه سرمایه‌داری و رویکردهای اقتصادی است. در هر صورت ادامه وضع گذشته منجر به ناپایداری بیشتر و کاهش کمیّت و کیفیت منابع موجود می‌شود

وقتی جنگ خیابانی

راه به جایی نبرد برداشتن چند روسری هم نمی‌برد



■ مسعود رضایی، کارشناس سیاسی و تاریخ‌در گفت‌وگو با «جوان»: جامعه ما در مجموع، جامعه‌ای است که اساساً دین، مذهب، حیا و عفاف، دارای ریشه‌های کهن و اصیلی در آن است. حتی کسانی هم که در نگاه کلی حجابیان کمتر است هم مرزها و حدودهایی را رعایت می‌کنند

رای مالباختگان تبریزی

ارشادی است و قابلیت رد مال ندارد!

■ سه روز پیش یادداشتی با تیتیر «عنوان دفتر ارتباطت به‌بازی‌های آسیایی و پارا آسیایی با حضور وزیر ورزش و جوانان تبیین شد. تصمیم ستاد عالی بازی‌های المپیک، پارالمپیک، آسیایی و پارا آسیایی مبنی بر اعزام کیفی کاروان ورزشی ایران به این دوره از رقابت‌ها بود. تصمیمی که نشان داده‌است.

مدیر کل ارتباطات مردمی قوه قضائیه در رابطه با روند رسیدگی به پرونده تحویل زمین‌های یک تعاونی به فرهنگیان بازنشسته استان آذربایجان شرقی گفت: شخصاً ۱۵ بار با افراد شاکی این پرونده ملاقات کرده‌ام و تمام پیگیری‌های لازم انجام شده، اما برخی افراد دخیل همچنان نتیجه حقوقی و قانونی پرونده را نمی‌پذیرند